

کلیسای ایرانیان مسیحی سن دیه گو و ال کاهون

کتاب مقدس، دانیال نبی

درس شماره ۳۹

فصل ۶: ۴-۹

آیه حفظی برای ۲۴ ماه اکتبر سال ۲۰۲۴

کتاب مقدس، مزمور ۱۱۹: ۹ و ۱۱

۹ به چه چیز مرد جوان راه خود را پاک می‌سازد؟ به نگاه داشتنش موافق کلام تو.

۱۱ کلام تو را در دل خود مخفی داشتم که مبادا به تو گناه ورزم.

آیه حفظی برای ۳۱ ماه اکتبر سال ۲۰۲۴

کتاب مقدس، امثال سلیمان ۲۶: ۲۸

۲۸ زبان دروغگو از مجروح‌شدگان خود نفرت دارد، و دهان چاپلوس هلاکت را ایجاد می‌کند.

قرائت کلام: لطفاً کتابهای مقدستان را به بخش دانیال نبی فصل ششم باز بفرمائید. از چند جلسه گذشته وارد فصل ششم شدیم و امروز تمرکز ما بر روی آیات ۴ الی ۹ می باشد. برای مرور مطالب گذشته لطفاً به آن دروس گذشته رجوع کنید. و برای صرفه جویی در وقت آیات را همانطور که جلو می رویم خواهیم خواند.

دعا: دعای داشته باشیم برای درک درست کلام خدا و اطاعت درست بر اساس آن درک درست.

مطالعه امروز: در این ۹ آیه اول، شما می توانید گناه حسادت را ببینید. حسادت را باید با دعای شکرگزاری و برکت برای آن شخص که به او حسادت می ورزید، جایگزین کرد. ولی متأسفانه این برای دانیال رخ نداد، آیه ۴:

۴ پس وزیران و والیان بهانه می‌جستند تا شکایتی در امور سلطنت بر دانیال بیاورند اما نتوانستند که هیچ علتی یا تقصیری بیابند، چونکه او امین بود و خطایی یا تقصیری در او هرگز یافت نشد.

در این مقطع دانیال ۹۰ ساله است. این افرادی که به او حسادت می نمودند، پرونده زندگی ۹۰ ساله او را کند و کاو نمودند تا عیب و ایرادی در او پیدا نمایند، ولی نتوانستند. وقتی در سن ۹۰ سالگی نتوانند لکه ننگی در شخص پیدا کنند، این حقیقتاً مایه افتخار است. صداقت، پاکی، و شرافت آن شخص را نشان می دهد. دشمنان دانیال نتوانستند اشکالی در او پیدا کنند چون او امین، و رستگار بود، و هر روزه با خداوند زندگی می کرد. هر روزه دعا می کرد، هر روزه کلام خدا را می خواند و حفظ می نمود، تا زندگی اش را پاک نگه دارد. کلام خدا را می خواند، دقیقاً مطالعه می نمود، و سپس آنچه را که خوانده بود به عمل می آورد. مزمور ۱۱۹: ۹-۱۱ می فرماید:

۹ به چه چیز مرد جوان راه خود را پاک می سازد؟ به نگاه داشتنش موافق کلام تو.

۱۰ به تمامی دل تو را طلبیدم. مگذار که از اوامر تو گمراه شوم.

۱۱ کلام تو را در دل خود مخفی داشتم که مبادا به تو گناه ورزم.

اگر ما انضباط مطالعه روزانه کلام خدا، و دعای روزانه را نداشته باشیم، اگر در کلیسای خدا تحت تعلیم درست نیستیم، نمی توانیم مانند دانیال زندگانی بدون ملامت داشته باشیم. دشمنان دانیال نتوانستند چیزی پیدا کنند که دانیال می بایست انجام می داده، و نداده، و یا چیزی که می بایستی انجام نمی داده، و انجام داده است. دانیال زندگانی بدون ملامت داشت. کامل نبود ولی کسی نمی توانست بطور مستدل تهمتی به او ببندد.

آیه ۵: پس آن اشخاص گفتند که «در این دانیال هیچ علتی پیدا نخواهیم کرد مگر اینکه آن را

درباره شریعت خدایش در او بیابیم.»

این آیه ۵ بسیار مهم است. وقتی دیگران، بی ایمانان، نتوانند بطور مستدل، با دلیل و مدرک، تهمتی به ما ببندند، تنها چیزی که می توانند پیدا کنند تا به ما حمله کنند ایمان ما به خداوند عیسی مسیح و تعهد ما به کلیسای اوست. آنوقت است که گفته مسیح در متی ۵: ۱۰ در مورد ما صادق می شود که می فرماید: خوشبحال زحمتکشان برای عدالت، زیرا ملکوت آسمان از آن ایشان است. دشمنان دانیال می گفتند: "تنها راهی که ما می توانیم به دانیال تهمتی بچسبانیم این است که او کاملاً به خدایش متعهد است." چه افتخاری! یکاش دیگران این حرف را در مورد ما می زدند.

آیه ۶: آنگاه این وزراء و والیان نزد پادشاه جمع شدند و او را چنین گفتند: «ای داریوش پادشاه

تا به ابد زنده باش. جمع می شوند، بصورت یکدسته بحضور پادشاه می روند تا او را تحت تاثیر قرار دهند. این دقیقا کاری است که امروزه در کلیساها هم اینگونه افراد حسود انجام می دهند. می خواستند با تعدادشان و با تعلق و چاپلوسی او را بیاورند زیر نفوذشان.

سپس به پادشاه می گویند، آیات ۷-۸: **جمع وزرای مملکت و روسا و والیان و مشیران و حاکمان**

با هم مشورت کرده اند که پادشاه حکمی استوار کند و قدغن بلیغی نماید که هر کسی که تا سی روز از خدایی یا انسانی سوای تو ای پادشاه مسألتی نماید در چاه شیران افکنده شود.

۸ پس ای پادشاه فرمان را استوار کن و نوشته را امضا فرما تا موافق شریعت مادیان و فارسیان که منسوخ نمی شود تبدیل نگردد.»

به عبارت دیگر این افراد جمع می شوند و به پادشاه می گویند: "همگی ما وزیران و استانداران تصمیم گرفته ایم که تو را ای داریوش پادشاه برای مدت ۳۰ روز به سمت خدا انتخاب کنیم." چقدر درک انسان در مورد حقیقت زندگی باید کم باشد، چقدر شناخت انسان از خدای راستین باید کم باشد که می خواهند با انتخابات خدا را معین کنند. این افراد سعی می کنند با تحریک کردن غرور داریوش او را وادار کنند تا در توطئه شیریشان بر علیه دانیال شرکت کند. تعلق داریوش را می گویند.

وقتی همه وزیران و والیان و استانداران بیایند و بگویند: ای پادشاه ما فکر می کنیم که شما باید خدا بشوی!! به شخص یک حس خود بزرگ بینی دست می دهد. داریوش از پیشنهاد این افراد خوشش آمد و با سر می افتد توی دامشان.

برای همین است که شخص حکیم باید همیشه مراقب چاپلوسی های دیگران باشد. دوست شما کسی نیست که چاپلوسی شما را می کند بلکه کسی است که در محبت و فروتنی حقیقت را به شما می گوید. کلام خدا در **امثال سلیمان ۲۶: ۲۸** می فرماید: **زبان دروغگو از مجروح شدگان خود نفرت دارد، و دهان چاپلوس هلاکت را ایجاد می کند.** از شخصی که چاپلوسی شما را می کند بر حذر باشید. البته قدر شناس بودن و در راستی از دیگران تقدیر کردن با چاپلوسی فرق دارد.

وقتی داریوش پادشاه این لایحه را می بیند، بخودش مغرور می شود. در ضمن از نیت پلید بزرگان دربارش بی اطلاع بود. پس فریب خورده و آن لایحه را امضا کرده، و بصورت قانون در می آید. و باید

بخاطر داشت که امپراطوری ایران برخلاف امپراطوری بابل سلطنت استبدادی نبود، بلکه یک نوع پارلمانی داشت که قوانین مملکت را وضع می نمود. و سپس آن لایحه به تصویب پادشاه می رسید و قانون مملکت می شد. و برای ثبات مملکت دیگر قابل تغییر نبود. **آیه ۹: بنابراین داریوش پادشاه نوشته و فرمان را امضا نمود.** و با سر می افتد در دام وزیرانش.

دنباله این مطالعه را در جلسه آینده ادامه می دهیم.